

به نام یکتا خالق هستی

فلسفه ی فن آوری از دیدگاه پست مدرن ها

ژاله محمدی ارباطی

کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی

استاد : سرکار خانم دکتر نیره علیان

دی ماه یکهزار و سیصد و نود و پنج

الهی مرا دریاب که دل دریایی ام بی تو مرداب است ...

چکیده

فناوری اطلاعات عرصه های مختلف زندگی را دگرگون ساخته است . اما این که این امر و این دگرگونی تا چه میزان مفید فایده می باشد محل اختلاف است . پاره ای از اندیشمندان ، آن را امری دانسته اند که می تواند موجب تحول بنیادی در کلیه امور زندگی می شود و . پاره ای دیگر از اندیشمندان این انگاره ی خوشبینانه را به چالش کشیده اند . از جمله ی این متفکران ، اندیشمندان موسوم به پست مدرنیست می باشند . از بزرگترین اندیشمندان این عرصه میتوان فوکو ، لیوتار ، دریدا و هایدگر را نام برد .

در مروری بسیار کوتاه پیرامون نظر هر یک از متفکران نام برده می توان این برداشت را داشت که :

از نگاه لیوتار می توان به اطلاعاتی شدن دانش به عنوان یک تهدید نگریست و

از دیدگاه فوکو ، بکارگیری فناوری اطلاعات را خطری برای آزادی و خلاقیت افراد فرض نمود و

از دیدگاه دریدایی ، فناوری اطلاعات می تواند حضور " دیگری" را در صحنه ی اجتماع تسهیل نماید.

مقدمه

هایدگر در نامه در باب بشر انگاری می نویسد :

" ما باید خودمان را از تفسیر تکنیکی تفکر آزاد کنیم که آغازش تا به افلاطون و ارسطو برمی گردد . "

اما ما می پرسیم افلاطون و ارسطو ، وجود و موجود و مبداء آن دو را چگونه تفسیر می کنند ؟

سقراط ، افلاطون و ارسطو با تفکر فلسفی خود ، دانش هفئستوسی و آتنه ای نهفته در جانشان را بالفعل کرده اند .

هفئستوس الهه ی صنعت و آتنه الهه ی عقل در فرهنگ اساطیری یونان معنا میدهد .

در فلسفه ی افلاطون نیز می توان به یکی از دو تصور او از خداوند اشاره کرد که همان خدای صانع باشد ، یعنی صنعتگر یا صورت گری که به صور مثالی می نگرد و برحسب آن سرمشق های جاودانه ، ماده را صورت می بخشد .

هفئستوس خدای آتش و بدین جهت خدای آهنگران و آهنگری بود . به همین جهت هومر ساختن جوشن و اسلحه ی آخیلوس را از او دانسته است . جایگاه وی را کوه های آتشفشان می دانستند که شراره از دهانه شان می جهد . می گفتند کارگاه آهنگری او در یکی از کوه های آتشفشان جزیره ی لمنوس است و همکاران وی اهریمنان آتش و فلزاتند . وی را کارگر زبردستی می دانستند که افزارهای سحرانگیز خدایان و پهلوانان را ساخته است .

همچنین خدای ارسطو، نه خالق ماده جهان است بلکه همچون صنعتگری به واسطه ی عقل فعال صورت بخشی می کند که همانا معنای هفئستوسی و آتنه ای افلاطون را در ذهن تداعی می کند .

کاردینال نیوتن در رد این خدای تولیدگر می نویسد : اگر خداوند مخلوقات را از ماده ای بسازد که نزد او حاضر بوده باشد ، یعنی از ماده ای باشد که آن ماده هم مانند خدا قدیم بوده و کار خداوند فقط آن بوده که شکلی به آن دهد و صورتی به آن داده باشد . پس در این صورت خداوند علت اولیه نخواهد بود و فقط محرک چیزی است که او تولید و خلق کرده است ، لذا آنچه او خلق می کند از عدم بوجود می آورد . مخلوقات او جز او می باشند و محدود می باشند .

تفاوت هنرور با صنعت گر از زمان متافیزیک افلاطون آغاز می شود و کار صنعت گر حقیقی تر از کار هومر ، بزرگترین شاعر و سلطان تراژدی نویسان و سایر شاعران تراژیک می باشد .

دکارت برای پیکو می نویسد : " هر فلسفه ای همانند درختی است که ریشه اش متافیزیک ، تنه اش فیزیک و شاخه هایش سایر علوم هستند . "

بر اساس این مثال سوالی مطرح میشود : در کدامین زمین ، درخت فلسفه ریشه دوانیده است ؟ از کدامین اساس به ریشه و از طریق آن به کل درخت آب و غذا و نیرو رسیده است ؟ ماهیت متافیزیک در کجا ساکن است و در کجا خود را به حرکت در می آورد ؟ (هایدگر)

سرزمینی که ریشه ی درخت متافیزیک از آن تغذیه می کند کوههای آتشفشان جزیره ی لمنوس ، کارگاه آهنگری هفئستوس است و آن درخت ممنوعه که در اساطیر یونانی میوه اش از انسان نهی شده است آتش مقرر هفئستوس است که ثمره اش تکنولوژی است .

نباید فراموش کنیم که فلزات و صنایع فلزی از دیدگاه سنتی ، با " آتش زیرزمینی " که از بسیاری جهات با " عالم دوزخی " در ذهن تداعی می شود ، مستقیماً ارتباط دارد . (رنه گنون)

پرومته (مظهر عصیان و طغیان در برابر اراده ی خدایان) وقتی که دید همه ی جانوران دیگر، انواع وسایل حفظ حیات و دفاع نفس را دارند ولی آدمیزاد عریان و پابرهنه و نامجهز است . نه بستری

برای آرمیدن و نه سلاحی برای دفاع در دستشان است . (هومر) از طرفی ساعتی که مقرر بود تا آفرینش انسان تکمیل شود و روشنایی روز درآید ، نزدیک می شد . پرومته که او هم در این کار درمانده بود برای چاره کار رفت و فنون و هنرهای هفئستوس و آتنه را دزدید و به همراه آتش برای آدمی آورد ، چون بی آتش از هنر هفئستوس نمی شد فایده برد .

پرومته : من بذر آتش را که در ساقه ای نهان بود و سرچشمه همه ی هنرها و کاردانی بزرگ آدمیان را ربودم ، این است گناهی که عذاب آن را می بینم و مرا زیر آسمان به زنجیری سخت و جانکاه بسته اند .
(اشیل)

دیوژن معتقد بود که ، راحتی و آسایش مفرط ، بزرگترین لعنت است . در اساطیر قدیم یونان آمده است که خداوند پرومته را تنبیه کرد زیرا آتش را برای بشر آورد و این تنبیه برطبق عدالت بود زیرا آتش، زندگانی پرتجمل و تنبلی و فلاکت های دیگر زندگانی متمدن را بدنبال آورد . وقتی کسی برخلاف نظر او می گفت :
" انسان برخلاف حیوانات وحشی ضعیف و برهنه بود و به گرمی مصنوعی نیاز داشت "

پاسخ می داد : " قورباغه با اینکه تنش کمتر از انسان مو دارد ، می تواند به راحتی در سردترین آبها زندگی کند . " و اضافه میکرد : " همه بسته به عادت دارد . " (توماس)

پرومته : آدمیان فانی در آغاز گروهی درمانده بودند . من به آنان آموختم که بیندیشند و خرد را بکار گیرند ، از خانه های گرم آجری و هنر درودگری هیچ نمی دانستند . مانند مورچگان چابک و سبک ، زیر زمین در زوایای ژرف و تاریک غارها می زیستند . هیچ نشانی نداشتند تا بدان دوران زمستان بهار گل افشان و تابستان بارور را بشناسند . ناهوشیار به هرکاری دست میزدند .

تا اینکه من دانش دشوار طلوع و غروب ستارگان را به آنان آموختم . سپس کاربرد اعداد را که سر آمد دانستنی هاست و ترتیب حروف و توانایی به یادسپردن چیزها را که سرچشمه ی دانش هاست بدانها آموختم،

آنگاه از گنجینه ای که زمین بخاطر آدمی در دل خود نهان کرده است ، از مفرغ و آهن و سیم و زر خبر
دادم .

کوتاه سخن آنکه : پرومته همه ی هنرها و دانش ها را ارزانی آدمیان داشت . اکتشاف طلا و نقره از معادن
آمریکا و اروپا در نیمه ی دوم قرن شانزدهم توسط اسپانیا و همچنین سیر کمالی علوم انسانی پرومته ای در
عصر روشنگری قرن هجدهم و انقلاب صنعتی که به اوج خود می رسد . اختراعات و عرضه ی
مصنوعات تکنولوژیکی ، ایمان و اعتقاد به زندگی پرومته ای را در انسان نوزایش راسخ می کند .

اما طولی نمی کشد که در قرن بیستم خوش باوری نسبت به ایدئولوژی ها ناشی از فلسفه پرومته ای در
عرصه ی عمل آرام آرام با دو جنگ جهانی اول و دوم به یاس و ناامیدی منجر می شود و عصیان پرومته
وار علیه خدایان به عصیان علیه طبیعت و جامعه می انجامد . اثرات مخرب و وحشیانه ی این دوران چه
نیکو در اشعار الیوت آمده :

گردش بی پایان اندیشه و عمل

اختراع بی پایان ، آزمایش بی پایان

دانش حرکت می آورد ولی نه دانش آرامش

دانش سخن نه ، دانش سکوت

دانش کلمات ولی نه دانش کلام

همه ی دانشمان مارا به نادانی مان نزدیکتر می گرداند

همه ی نادانی مان مارا به مرگ نزدیکتر می گرداند

اما نزدیک تر به مرگ ، نه به خدا

کجاست زندگی ای که ما در زیستن از دست داده ایم ؟

کجاست خردی که ما در دانش از دست داده ایم ؟

کجاست دانشی که ما در اطلاع از دست داده ایم ؟

گردش های افلاک در بیست قرن ما را از خداوند دورتر و به خاک نزدیک تر می کند . (تی.اس.الیوت)
ذات تکنیک در مجموع معصیت پذیر نیست بلکه تکنیک به عنوان ابزار و آلات به انسان مدد می رساند ،
اما پایش در حل معمای انسانی و گشودگی راز آفرینش همچون هفئستوس لنگ است . وسوسه های روح
فاوستی به منظور تقرب به شجره متافیزیک به طمع برخورداری از میوه اش که همانا تکنیک می باشد ،
جهت تملیک و تسخیر و جاودانگی در عالم را القاء می کند که متمایز کننده ی عصر ما از سایر اعصار
است .

با گذار از عصر مدرنیسم به پست مدرنیسم ، تزلزلی در مطلق انگاری اصول عقلی و شک در حقانیت آن
و شکست ایدئولوژی ها و عدم تحقق مدینه ی فاضله ی ناشی از علوم پرومته ای رخ می دهد و متافیزیک
در آخرین صورتش یعنی " پست مدرنیسم " به انتقاد عقل از عقل منتهی می شود که عملا عذاب انسان
پرومته ای بسته ی زنجیر غرور و تکبر وجدان خویش می شود .

اما پست مدرنیست چاره ی کار نیست .

انسان ، به گاه مقرر ، می تواند تنها در برابر خدا سکنی گزیند ، سادگی نگهبان آدمی ست ، و او را نیازی
به سلاح و نیرنگ نیست .

آدمی می تواند بی هراس ، به تنهایی در پیشگاه خدا حضور باید.

تعریف پست مدرن

اولین استفاده از واژه ی پست مدرن به قبل از سال ۱۹۲۶ برمیگردد ولی میتوان آنرا تا دهه ۱۸۷۰ دنبال کرد یعنی زمانی که این واژه توسط جان واتکینز ۱ و چایمن ۲ هنرمند بریتانیایی بکار رفت (اپیگناسی ۳ ۱۳۸۰، ص ۳). با این حال افرادی که در باره چیزهایی مثل پست مدرنیسم فکر میکنند، هنوز در این خصیصه باهم اتفاق نظر ندارند که آیا پست مدرنیسم گسست از مدرنیسم است یا تداوم و استمرار مدرنیسم یا هر دوی آن (پاول ۴ ۱۳۷۹، ص ۱۳).

البته برخی برآنند که هرگونه تلاش برای به نظم درآوردن و تعریف کردن پست مدرنیسم سازگار با ماهیت آن نیست، چرا که از صفات بارز فرهنگ و نگرش پست مدرنیسم اعتقاد به عدم پیوستگی و نامشخص بودن است.

کلمه مدرن از واژه لاتین Modernus به معنای « از هم اکنون » می باشد. پست مدرنیسم یعنی پذیرفتن چیزی فراتر از اکنون. پست مدرنیسم واژه یا به بیان دقیقتر، مجموعه عقاید پیچیده ای است که به عنوان حیطه ای از مطالعات آکادمیکی از اواسط دهه ۸۰ پدیدار گشته است. و در قالب واژه هایی چون فرانویین گرای، فراتجدد گرایی، پسانویین گرایی و فرا صنعتی نیز مطرح گردیده است. (عباس زاده، ۱۳۸۶، ص ۵). توصیف پست مدرنیسم دشوار به نظر می رسد، زیرا مفهومی است که در انواع گسترده ای از دیسپلین ها و حیطه های مطالعاتی از قبیل هنر، معماری، موسیقی، فیلم، ادبیات، جامعه شناسی، ارتباطات، مد، تکنولوژی و ... نمایان شده است. (کلاجر، ترجمه حامی احمدی)

ریشه های پست مدرن را باید به علاقه ی بشر به امور غیر عقلانیتی و یا امور درونی و عاطفی، ضمیر ناخودآگاه و شکستن مرزهای اجتماعی نسبت داد.

مقایسه ی کوتاه مدرن و پست مدرن

رویکرد رادیکال‌ها به دو دسته انتقادی و پست مدرن تقسیم می‌شود که در رویکرد انتقادی سازمان عرصه

سلطه گری است و رویکرد پست مدرن سازمان را به عنوان موجودیتی نظم یافته و معنادار زیر

سؤال می‌برد. در مدرنیسم بر « قطعیت » تأکید می‌شد و در پست مدرنیسم بر « عدم قطعیتها ». فرضیه

های بنیادی که در ارتباط با تمامیت و قطعیت، همچنین علیت و جامعیت برخی از امور، مورد تأیید فلسفه

مدرنیسم بوده اند از جانب فلاسفه پست مدرن، مردود دانسته شده است. مدرنیسم در جستجوی حقیقت بود

ولی پست مدرنیسم معتقد است که حقیقتی وجود ندارد و تأکید می‌کند که فقط روایت هایی از حقیقت وجود

دارد. در مدرنیسم « عقلانیت » حاکم است در حالی که در پست مدرنیسم « گفتمان » حاکم است. پست

مدرنیسم با ایدئولوژی و هرگونه فراروایت مخالف است.

« فستر » یکی از تحلیل گران پست مدرنیسم در بررسی مفهومی این واژه، به بیان دو گونه طرز تلقی از

پست مدرنیسم اشاره کرده: صورت اول به تعریف و بیانی مرتبط است که پست مدرنیسم را مبتنی بر

مدرنیسم و نشأت گرفته از آن می‌شناسد که « جیمسن » طرفدار این نظریه است و صورت دوم به تعریف

و بیانی مربوط است که پست مدرنیسم را مقابل مدرنیسم و نافی و طرد کننده آن می‌داند و « لیوتارد » نیز

طرفدار این نظریه است. برداشت دیگری از پست مدرنیسم حکایت از طرز تفکری معتدل تر دارد. بر

اساس این تعریف پست مدرنیسم نه جنبه ویرانگری و طرد کنندگی دارد و نه جنبه تکاملی و تثبیت کنندگی.

در این صورت پست مدرنیسم را باید به نوعی احیاگر مدرنیسم تلقی کرد. « زیگمونت بوست » را می

توان نماینده این تعریف دانست. (مهاجر، ۱۳۸۷). مشهورترین تعریف از پست مدرنیسم، از آن « ژان

فرانسوالیوتار » است؛ پست مدرنیسم همانا تردید و ناباوری است درباره فراداستانها. از این دیدگاه، پست

مدرنیسم جنبشی چند منظوره است که نارضایتی خود را از دانش و عقیده‌ای که خویش را جهانی می‌انگارد،

اظهار می‌دارد (گود، ۱۹۹۶). به عبارت دیگر، پست مدرنیسم، نوعی وضعیت بی‌اعتقادی و ناباوری به فراروایتها است.

در دوره پست مدرنیسم، با ورود تکنولوژی و ابزارهای تکنیکی، «گفتمان و مذاکره» بر «عقلانیت حاکم» گشته است. نظریه انتقادی با این عقیده که زندگی اجتماعی سرشار از تعارضات، مهمله‌ها، ستمها و ابهامات است به دنبال "بیداری" و "رهایی" است و پست مدرنیسم به دنبال نفی عقل انسانی است. دوره نفی عقلانیت و فرد، مستقل، خود مختار و مطلق العنان می‌باشد.

هدف نهایی نظریه‌های انتقادی این است که جامعه امروزی را به جامعه عقلانی، انسانی و اصلاح‌پذیر تبدیل کند. بدین ترتیب نظریه‌های انتقادی رویکردی اصلاح‌گرایانه دارند و در پی شناخت و حذف علل و عواملی هستند که موجب بروز و ایجاد ساختار اجتماعی شده‌اند که انسان‌ها در آن اسیر بازیگران قدرت و ثروت می‌شوند. در حالی که هدف پست مدرنیسم نفی عقلانیت انسان و دادن اختیار، استقلال و آزادی در قالب گفتمان و مذاکره و به طور کلی ایجاد نظم است.

به لحاظ تاریخی، اندیشیدن و تفکر و در پی آن انتقاد از دوره رنسانس در اروپا و با ورود اولین فن آوری به دنیای غرب شکل گرفت. سال ۱۴۵۰ میلادی وقتی "یوهان گوتنبرگ" ماشین چاپ را تکمیل و اختراع کرد متون و کتابها تکثیر و توزیع شد و در اختیار همگان قرار گرفت. دیگر دانش مختص به علما و اشراف و روحانیون نبود و نوشته‌ها برای اولین بار در دسترس انبوه مردم قرار گرفت و مردم به بحث درمورد آن پرداختند و علم و دانش از حالت سوفیتی و انحصاری خارج گشت و در اختیار عموم قرار گرفت و منجر به شکوفایی ذهن بشر و ایجاد چرایی و چگونگی‌ها شد، اما نباید فراموش کرد که مطالعات در آغاز پراکنده و کلی بود و شکل منسجمی نداشت.

از دیدگاه مارکس: در هر جامعه‌ای افکار طبقه حاکم افکار مسلط بر جامعه خواهد بود و طبقه حاکم ابزارهای تولید از جمله رسانه‌ها را در اختیار دارد.

و در مقابل با بیان مقاله معروف "روشنگری چیست؟" اثر کانت در زمینه تفکر انتقادی میتوانیم بیان کنیم که فناوری و ورود آن به بطن جامعه و پخش آگاهی و روشنگری نقش مهمی دارد. "روشنگری" از دید کانت یعنی اینکه بشر دریافته است که توانایی فکر کردن را برای خود دارد یعنی خود را از "قیومیت خود ساخته" رها کرده است. بنابراین از دید کانت فکر کردن برای خود، حداقل در سطح تصمیم گیری برای رهایی از نمادهای قدرت سنتی (دولت و کلیسا و کارهای عامه پسند) مترادف با انتقاد است و این روشنگری و آموزش برای اندیشیدن از طریق ورود فن آوری در جوامع جاری می شود.

نقطه آغاز مباحثات فکری درباره پست مدرنیسم، اغلب در نوشته های فیلسوف اجتماعی فرانسوی، «ژان فرانسوا لیوتار» است. وی اعتقاد دارد که جوامع نه صرفاً حول انواع تکنولوژی ها بلکه حول بازی های زبان و گفتارها نیز سازمان می یابند. او به نقش گفتارها در زندگی اجتماعی توجه خاصی می کند. در جوامع غیرصنعتی، اساطیر و قصه ها واجد کیفیتی دینی بوده و به باز تولید نظم اجتماعی یاری می رساندند. با عصر روشنگری مجموعه نوینی از گفتارها همراه با ظهور علم قدم به عرصه نهادند این ها بر اهمیت پیشرفت، خرد، دانش و تکنولوژی در به ارمغان آوردن آزادی از جهل، نیاز و سرکوب تأکید می کردند. اما اینک به عصر جدید یعنی پسامدرن وارد شدیم. علم و تکنولوژی نظام های پیچیده اداری و رایانه ها به چنان مرحله ای از پیشرفت رسیده اند که در آن «دانش» در طول چند دهه اخیر به نیروی اصلی تولید بدل شده است. این فیلسوف فرانسوی چنین استدلال می کند که دانش و اطلاعات در دو مسیر متصل به هم عمیقاً دگرگون شده اند. نخست آن که دانش و اطلاعات فقط در جایی که به دلیل کارایی و کارآمدی موجه باشند یا با استفاده از واژگان لیونار، در جایی که «کاربرد پذیری» غالب باشد، تولید می شوند. دوم این که دانش و اطلاعات بیش از پیش در معرض تهدید کالا شدن است. پیامد این وضعیت این است که اطلاعات و دانشی که برحسب کارایی و کارآمدی نتوانند مورد تأیید قرار گیرند، تنزل درجه خواهند یافت یا حتی کنار گذاشته خواهند شد. (دلاوری، بی تا)

ردپای مدرنیسم و پست مدرن بر آخرین دست آورد فن آوری در مبحث آموزش در عصر حاضر

آموزش از راه دور

به نظر گینز در جوامع ماقبل مدرن زمان و مکان بیشتر باهم در آمیخته بود و به همین دلیل ابعاد مکانی زندگی اجتماعی برای بیشتر مردم و از جهات متعدد تحت تاثیر عالم حضور ، یعنی فعالیت های محلی قرار داشت (۱۹۹۰) . به بیان دیگر لازم است شاگردان در حضور معلم باشند تا سخنان موقر و محکم او را بشنوند و دانشجویان برای شرکت در کلاس ها و کسب مدارک از دانشگاههای خاص متحمل سفر و شرایط زیستی و مشکلات دیگری بشوند . در حالی که امروزه با ورود و کمک فن آوری های نوین در زندگی بشر می توان در تعدادی از دانشگاهها بصورت غیرحضوری و آموزش از راه دور تحصیل کرد و تجربه های یادگیری لزوما تجربه های بلافصل و چهره به چهره نیست . وقتی به تناسب مکان یا زمان آموزش دهنده و یادگیرنده از هم جدا شوند ، آموزش از راه دور رخ می دهد. (لیندرو مورفی ۲۰۰۱)

می توانیم تحولات ایجاد شده در مقوله ی آموزش را در دوران مدرن و پست مدرن بصورت زیر با یکدیگر مقایسه کنیم و شاهد تغییرات بوجود آمده با ورود فن آوری در جوامع و گذر از دوران مدرنیسم به پست مدرن باشیم :

نقطه نظر	دوران مدرنیسم		دوران پست مدرنیسم
معرفت شناسی	عینیت گرایی		نسبیت گرایی
روانشناسی	رفتارگرایی	شناخت گرایی	سازنده گرایی
آموزش از راه دور	نسل اول آموزش از راه دور (مکاتبه ای، آموزش برنامه ای)	نسل دوم آموزش از راه دور (آموزش ویدئویی، آموزش از طریق اینترنت)	نسل سوم آموزش از راه دور (آموزش مجازی)
محیط آموزش از راه دور	معلم محور		یادگیرنده محور
فرآیند یاددهی – یادگیری	یادگیری انفرادی		یادگیری گروهی
نحوه ی ارزشیابی	ارزشیابی تکوینی و پایانی		ارزشیابی تکوینی و پایانی به همراه خودارزشیابی
نحوه ی تعیین اهداف آموزشی	تمرکز بر اهداف کوتاه مدت		تمرکز بر اهداف بلند مدت

مبانی فلسفی شکل‌گیری آموزش از راه دور در الگوی پست مدرن

ارائه یک نوع شناسی دقیق از پست مدرنیسم به سختی میسر است. بنابراین با بهره‌گیری از رویکرد ساختارشکن ژاک و مهم‌ترین مفاهیم که پست مدرن برای به چالش کشیدن مدرنیسم به کار برده است، مانند "نسبیت گرایی"، "نفی عقلانیت"، "تردید به پیشرفت و کمال‌پذیری" به عنوان مبانی فلسفی شکل‌گیری آموزش از راه دور در دوران پست مدرن استفاده کرد. (به نقل از برگر، ۱۹۸۸)

نسبیت گرایی و یادگیری سازنده گرایی

نسبیت گرایی سابقه‌ای طولانی‌تر از پست مدرن دارد. ساختینگ به اندیشه‌های افلاطون و ارسطو اشاره می‌کند که اظهار داشته‌اند همه‌ی امورات هستی به این وابسته است که انسان‌ها درباره‌ی آن‌ها چه می‌گویند (ساختینگ، ۱۹۹۴). پست مدرن‌ها چون دست‌یابی به حقیقت مطلق و شناخت عینی را ناممکن می‌دانند کار فکر را بازآفرینی علائم و ترکیب آن‌ها می‌شمارند نه تصور واقعیت. از این رو پیروان نسبیت گرایی، ملاک حقیقت را انطباق واقعیت ذهنی با واقعیت عینی نمی‌دانند بلکه آن را یک امر نسبی می‌دانند. از آنجایی که نسبیت گرایی فلسفه‌ی اصلی و زیربنای نظریه یادگیری سازنده گرایی است (سیف، ۱۳۸۶) و از آنجا که برخی از منابع معرفت‌شناسی پست مدرن‌ها با نظریه‌ی سازنده گرایی همخوانی دارد، بر این رویکرد در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی تاکید می‌کنند. در سازنده گرایی فرض بر این است که یادگیرنده در جریان یادگیری فعال است و دانش توسط خود فرد ساخته می‌شود و جهان هستی را با فعالیت‌های خود کشف می‌کند (برک، ۲۰۰۰)،

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: نظام آموزشی از راه دور با بکارگیری فن‌آوری‌های نوین آموزشی در دوران پست مدرن در طراحی محتوای یادگیری، متأثر از رویکرد "سازنده گرایی" است.

محیط یادگیری سازنده گرایی و نظام آموزش از راه دور پست مدرن

در محیطهای یادگیری پست مدرن که تاکید بر "یادگیرنده محور" یعنی مبتنی بر اصول نظریه ی سازنده گرایی می باشد، یادگیرنده باید یاد بگیرد چگونه با استفاده از منابع اطلاعاتی متنوع و پراکنده ساخت جدید یادگیری خود را بنا کند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۲) آنچنان که پست مدرن ها خواهان ساختارشکنی و ایجاد ساخت جدیدی از دانش هستند .

آنان معتقدند که یادگیرندگان باید تشویق شوند تا راههای جدیدی برای ساخت مجدد عناصر بیابند و آن را به اجزا و فرعیات تقسیم کنند . امروزه از دانشگاه ها و موسسه های آموزش از راه دور متعلق به دوران مدرن (نسل اول و دوم آموزش از راه دور) بن به گفته های جولیکا و ریدی بعنوان موسسه های آموزش از راه دور سنتی یاد میشود . این موسسه های آموزشی در استفاده از رایانه ها به عنوان ابزار یادگیری در روش سنتی به انفرادی ساختن روش آموزش تاکید می کنند . در صورتیکه در موسسه های آموزش از راه دور پست مدرن ، که تحت عنوان نسل سوم آموزش از راه دور نامیده میشود ، محیط جدید یادگیری بسیار متفاوت بوده و بیشتر بصورت مجازی طراحی شده است .

در نظریه های جدید یادگیری ، واکنش متقابل اجتماعی ، جزئی حیاتی از فرآیند یادگیری تلقی شده است . در یادگیری معنادار ، انتقال اطلاعات اهمیت ندارد و آنچه بدان تاکید می شود مذاکره و بحث می باشد . فناوری شبکه جهانی امکان گسترش مهارت های اجتماعی و همکاری دانش آموزان و یادگیرندگان را برای شرکت در بحث های برخط فراهم کرده است . شرکت در گفت و گوهای جهانی ، فراگیران را با دیدگاههای متنوع تر و فرهنگ های مختلف آشنا می کند . بدین ترتیب فرآیند یادگیری به فرآیند فرهنگی شدن در جامعه یادگیرندگان تبدیل می شود که همین منجر به آشنایی با " فرهنگ دیگری " می گردد که یکی از مضامین مهم پست مدرن ها می باشد که این گوناگونی فرهنگ یادگیرندگان مرکز توجه شان می باشد .

نفی عقلانیت

" استوارت پارکر " نظام آموزشی پست مدرن را نظام آموزشی می داند که همه ی اجزای آن در حال شالوده افکنی و پدیدآوری مجدد است و موسسه ها و نظام های آموزشی برای این که شکل پست مدرن به خود بگیرند باید دستورهای تجویزی و الگوهای بروکراتیک سازمان آموزشی مدرن را رها کنند و خود براساس نیازهای واقعی سازمان دهند . با توجه به توضیحات فوق ، فن آوری و نظام آموزش از راه دور در عصر پست مدرن ، نظامی پویا می باشد که بر هدف های بلند مدت و مدیریت مشارکتی در نظام آموزشی تاکید دارد .

نفی پیشرفت گرایی

پست مدرنیست ها برخلاف مدرنیست ها معتقدند که الزاما آینده بهتر از حال و حال بهتر از گذشته نیست . از نظر فکو تحول از یک عصر به عصر دیگر تکاملی نیست ، بلکه هریک وجه شناخت خاصی دارند و براین اساس پست مدرنیسم به انکار مقوله ای با عنوان " پیشرفت و تکامل " می پردازد . ازاین منظر هرچه هست " تغییر و دگرگونی " است و نمی توان از مقولاتی چون " پیشرفت " و " پسرفت " صحبت کرد . مبتنی بر این آموزه ها ، پست مدرن ها به تاثیر و استفاده از فناوری اطلاعات در نظام آموزش از راه دور دیدگاهی پیشرفت گونه ندارند و به آن به عنوان " تغییر و دگرگونی " در نظام آموزشی می نگرند . از دیدگاه پست مدرن ها " نفی پیشرفت و توسعه " به نفی طبقه بندی جوامع و نقش فرهنگ غالب و فرهنگ مغلوب منجر می شود و هیچ جامعه ای ارجحیت فرهنگی به جامعه ی دیگر ندارد و اجازه ی قضاوت به هیچ جامعه ای داده نمیشود . بنابر این دیدگاه ها در طراحی فن آوری اطلاعات در نظام آموزش از راه دور ، رویکرد جهانی را نفی کرده و برموقعیت های خاص اجتماعی ، فیزیکی ، جغرافیایی و فرهنگی تاکید می کند .

ویتوفر محرومیت عده ای از فراگیران را برای استفاده از فناوری ها در عدم تلفیق مناسب این فناوری با موقعیت فرهنگی فراگیران شامل طبقه ، نژاد ، ملیت ، جنسیت و فردیت آنها می داند . راهکارهایی چون " بوم شناسی یادگیری " و " تنوع فرهنگی " را پیشنهاد می کند که در طراحی بر مبنای " تنوع فرهنگی " فرهنگ برتر و فراگیر جهانی معنای خود را از دست می دهد و فرهنگ همه ی گروهها فارغ از جنسیت ، نژاد ، طبقه و قدرت اجتماعی و آموزشی به " همترازی " می رسد .

بریتسون و کتسل نیز معتقدند که در شرایط " همترازی " امکان باز آفرینی تعلیم و تربیت فراهم می شود . در این زمینه اطلاعات به دلیل قابلیت منحصر به فرد خود در ایجاد فضای گفت و گو میان دانش آموزان فرهنگ های متفاوت ، از راههای آسانی مثل پست الکترونیک و گفتگوی اینترنتی نقش محوری خواهد داشت .

نتیجه گیری

فلسفه ، علم درست اندیشیدن و یا عمیق اندیشیدن است . فلسفه روشی است برای رسیدن ، رسیدن به چرایی و چگونگی ها ، رسیدن به آگاهی .

پس فلسفه ی وجود آموزش و یادگیری هر علم نظری – عملی و تولیدی (فناوری) نیز رساندن بشر به تکامل و یافتن پاسخ این چرایی و چگونگی هاست و اگر غیر از این باشد در بهترین حالت وجودش ، خنثی ، و در بدترین حالت ، موجب نابودی و به تباهی کشاندن بشر و جامعه ی بشری خواهد بود .

برای مثال در جامعه و دنیای امروزی ، با توجه به در خطر بودن انرژی های طبیعی (منابع جنگلی – منابع آبی – منابع نفتی و) وجود و تولید انرژی های هسته ای ضروری می باشد ، بخصوص برای مصارف پزشکی ، صنعتی و

ولی همانطور که همه آگاهیم تولید و وجود انرژی هسته ای مانند شمشیر دولبه و تیغ جراحی می باشد که لبه ای از آن فعل مفید و کمک به بهبود وضعیت می نماید و لبه ی دیگر موجب نابودی بشر شده و سلاحی برای بشر علیه بشر می گردد . بشری که از بُعد اخلاقیات و کمال معنوی در قهقرا و تاریکی خودپسندی ، زیاده طلبی ، دنیادوستی ، مقام و ... شده است . انسانی که دلیل خلقت و وظیفه ی خود را بعنوان اشرف مخلوقات در زمین بفراموشی سپرده است . انسانی که عمر محدود حضور خود در عالم خاکی را از یاد برده است و به همین دلیل جایگاه نفس انسانی خود را پست تر و ذلیل تر از نفس حیوانی و نباتی نموده است.

اگر تکنولوژی از یک سو کمک به رشد علمی و در موارد پزشکی کمک به تشخیص و درمان سریعتر و بهتر انسان نماید ، از سوی دیگر استفاده ی ناصحیح و غرق شدن در منجلاب تکنولوژی ، خود موجب همان بیماریها می شود، که حال باید با تکنولوژی تشخیص داده و درمان شوند .

سوالی که مطرح می شود : اگر فناوری فی نفسه ، عامل مثبتی در دنیای مدرن و تکنولوژیک امروزی است و اگر یک هنجار در زندگی بشر بود ، پس اینهمه ناهنجاری ، پریشانی ، سردرگمی ، بیماریهای جسمی و روحی و از کجا ناشی شده و حال که ناشی شده چرا درمان نمی شود ؟

انسان فراموش کرده که تکنولوژی خود موجب بسیاری از مشکلات و بیماریهای شایع در جوامع شهری امروزی شده است و حال خود قصد ترمیم آن را دارد ، غافل ازینکه سرعت پیشرفت و تخریب این غده ی سرطانی بسیار بیشتر از سرعت تشخیص و درمان توسط آن می باشد .

آلودگی های جوی ، صوتی ، سیگنالی و امواج ماهواره ای که موجب آلودگی و بیماریهای های روحی ، روانی ، جسمی و حرکتی که تکنولوژی مسبب آنها گردیده و با سرعت بسیار بالایی در حالت نابود کردن قدرت تفکر و تعقل ، قدرت حس کردن و درک کردن و نعمت دیدن و شنیدن مخلوقات بکر خداوند از گیاه ، حیوان ، زمین و آسمان و حتی زیباترین آفرینش خالق، که هستی را به سجده در آورده و احسن الخالقین نام گرفته را از بشر گرفته است . و اگر فلسفه ی بوجود آمدن فناوری توسط بشر ، به خدمت گرفتن آن برای رسیدن آسانتر به اهداف خود بوده ، متأسفانه امروزه شاهد اسارت و بندگی بشر در دستان قدرتمند تکنولوژی هستیم .

انسان امروز اسیر دست ساخته ی خود گردیده است و در این اسارت دچار انواع سقوطهای روحی و جسمی گردیده است . افول اخلاقیات و معنویات در انسان امروز بوضوح مشاهده می شود .

انسان سرگشته و خسته ، محصول حضور ابرکامپیوترها ، ابرتکنولوژیها و میکرو چیپها در دنیای کنونی است .

تکنولوژی ها اگر به ۱۰ دلیل توجیهی مورد تشویق و تقدیر هستند ، به هزاران دلیل مورد تقبیح و نکوهش می باشند .

از آنجایی که پست مدرن ها قطعیت را نفی کرده و باور به نسبیت امور دارند و با توجه به توضیحات نگارنده که از تجربیات و مشاهدات خود در جامعه و انسان امروزی مطرح شده ، می توانیم پی به این امر ببریم که پست مدرن ها به قطعیت ، حضور مثبت تکنولوژی در زندگی را نفی نمی کنند ولی باتوجه به نظرات و باورهای فلاسفه ی بزرگ پست مدرن مانند هایدگر اعتقاد چندانی هم به تاثیر مثبت تکنولوژی در زندگی انسان ندارند .

از دیدگاه هایدگر که یک پست مدرن می باشد برای اینکه از ماهیت و تاثیر تکنولوژی آگاهی یابیم و میزان تاثیر ویا خطرات آن را در زندگی انسانها متوجه شویم لازم است که بتوانیم با تکنولوژی نسبت آزاد برقرار کنیم ، این به این معنی ست که کورکورانه و بدون تامل تکنولوژی را رد یا قبول کنیم . (هایدگر، ۱۳۸۹)

آنچه مسلم است تکنولوژی در عصر حاضر و برای تامین نیاز ، بصورت منبعی برای مصرف آدمی درآمده است و به محض پایان یافتن تاریخ مصرف و ورود تکنولوژی جدید ، مورد قدیمی به فراموشی سپرده میشود و در اصل انسان برای اشیاء و تکنولوژی هیچ اهمیت و استقلال قائل نیست .

هایدگر این نوع استفاده ی ابزاری از اشیا و تکنولوژی که بدون هیچ اهمیتی فقط جنبه ی مصرفی برای بشر را دارد " گشتل – Ge-Stell " می نامد که در حقیقت به نوعی گردآوری و انحصار همه جانبه در چهارچوبی که در آن تحمیل و تعرض صورت می گیرد اشاره می کند . (هایدگر، ۱۳۸۹)

با این دیدگاه آدمی از جایگاه واقعی انسانیت خود خارج شده و در مواردی حتی خودش هم بعنوان منبعی برای بهره برداری حداکثری تبدیل می شود و شان و جایگاه انسانی خود را در حد یک شیء و ابزار تکنولوژیکی و زمینی پایین می آورد .

انسان در جامعه ی تکنولوژیک خود نیز بصورت ربّاتی بی احساس تنها برای بهره برداری بیشتر از طبیعت و سایرین در حال تکاپوست بدون آنکه مقصد نهایی و فرصت کوتاه حضورش بر روی این کره ی خاکی را به یاد آورد . این فرصت حتی اگر ۱۰۰۰ سال هم باشد باز هم پایان می پذیرد . و ثمره ی این حضور چه هست و چه خواهد بود ؟ آیا تکنولوژی پاسخگوی فلسفه ی خلقت و آفرینش جهان هستی و انسان می باشد ؟

همان طور که می دانیم ، "تکنولوژی ، علم بیرونی و محتوا ، علم درونی است " ، سرعت پیشرفت تکنولوژی آنقدر زیاد بوده که محتوا توان رسیدن به آن را نداشت و به همین دلیل انسان و جامعه را دچار وحشت و انحراف نموده است . این در حالی است که توشه ی انسان برای رسیدن به معنی و سیر در انفس و کشف دنیای درون و تکامل که هدف خلقت است با علم درونی و محتوا محقق میشود . علوم محتوا هستند که انسان را به آگاهی رسانده و با این آگاهی به زندگی جاودان هدایت می کنند و متأسفانه زرق و برق دنیای تکنولوژیک ، انسان و جامعه ی امروز را از مسیر اصلی منحرف کرده است . تکنولوژی به بهانه ی کمک و سریعتر گام برداشتن برای رسیدن به مقصد ، وارد زندگی انسانها شده ولی انسان را خسته تر کرده و از ادامه ی مسیر اصلی بازداشته است .

" رهرو آن نیست گهی تند و گهی خسته رود ، رهرو آنست که آهسته و پیوسته رود "

انسان امروز فراموش کرده است مقصد بسیار نزدیک است و نیاز به شتاب نیست . مقصد هم اینجاست ، مقصد دل است ،

و خدایی که در این نزدیکیست

به کجا چنین شتابان؟

گون از نسیم پرسید : دل من گرفته زین جا

هوس سفر نداری ز غبار این بیابان؟

همه آرزویم اما چه کنم که بسته پایم.

به کجا چنین شتابان؟ به هر آن کجا که باشد

به جز این سرا، سرایم سفرت به خیر اما، تو و دوستی، خدا را

چو از این کویر وحشت به سلامتی گذشتی

به شکوفه‌ها، به باران برسان سلام ما را

استاد شفیعی کدکنی

منابع

- اشیل پرومته در زنجیر) .ش .مکسوب.(Trans ,
توماس ,د .ماجر/های جاویدان در فلسفه ء هنری توماس) .ا .شهسا.(Trans ,
تی.اس.الیوت /آواز سنگ) .پ .لشکری.(Trans ,
رنه گنون /سیطرهء کمیت و علائم آخر زمان) .م .کاردان.(Trans ,
هایدگر .(1389) پرسش از تکنولوژی در فلسفهء تکنولوژی) .ش .اعتماد.(Trans ,
هایدگر /مابعد/الطبیعه چیست ؟) .ج .صافیان.(Trans ,
هومر .گفتگوی پروتوگوراس) .م .صناعی.(Trans ,

مریم گل بابایی، نظریه های یادگیری

سیدحسین نوع پسند، عقل و صنعت

بررسی رویکرد هایدگر در مواجهه با تکنولوژی ،خشیایار برومند، سیدحسن حسینی

سنجش دیدگاه دکتر سروش درباره تکنولوژی ،علی چاپرک

بدن، سوژه و تکنولوژی های خود :درس هایی از راه حل فوکویی برای جامعه امروز، محمد علی توانا ،محمود علی پور

بررسی فلسفی امکان تحقق هوش مصنوعی قوی با توجه به دیدگاههای مختلف در مسئلهء ذهن و بدن، حسین مطلبی

همراه بی همراهان، مهدی ساعتچی